

# درباره‌ی هنر مسئله

به بهانه‌ی انتشار کتاب  
هنر مسلح نوشته‌ی امین  
قضایی و بابک سلیمی‌زاده  
توسط انتشارات آزاد ایران

مهدی سلیمی

## درباره‌ی هنر مسلح

"به بهانه‌ی انتشار کتاب هنر مسلح نوشته‌ی امین قضایی و بابک سلیمی‌زاده توسط انتشارات آزاد ایران"

مهدی سلیمی

بارها خوانده‌ایم و شنیده‌ایم مصاحبه‌های هنرمندان بزرگ را که هنرشان را فراتر از همه‌ی مفاهیمی می‌بینند که با آنها هاله‌ی متافیزیکی حول آثارشان از بین می‌رود: کارکرد، ایدئولوژی و هر چیزی که ممکن است ارزش مقدس هنرشان را ویران کند. بارها دیده‌ایم خنده‌های احمقانه‌ی هنرمندان را در مقابل پرسش‌گرانی که در مورد کارشان می‌پرسند. تناقض عجیبی است وقتی که اثر هنری خود را در گالری نمایش دهی و در مقابل پرسش‌گران هنرات را غیر قابل شناسایی معرفی کنی! تو نمی‌توانی به مفاهیم این هنر دست یابی چرا که هنرمند خودش چیزی از آن نمی‌داند. مفهوم این هنر در گالری شکل گرفته است، در مجوزی که به آن داده می‌شود، در نورپردازی‌اش، در خط قرمزی که جلوی آثار کشیده می‌شود، نباید به این هنر نزدیک شد بلکه باید از دور به بلاهتشان خندید. از طرفی دیگر بارها خوانده‌ایم آثار منتقدانی که مدام در حال مغلطه کردند. هاله‌ی ترسناک هنر آنها را وادار می‌کند تا از هنر به مثابه‌ی یک تجربه‌ی ناب نام ببرند و نقد خود را همچون تجربه‌ی ناب دیگر/ خلق دوباره اثر معرفی کنند. منتقدان از ترس معنادهی به اثر هنری بی‌معنا یا در دام تفسیر اثر هنری با رعایت حریم معنایپذیری آن گرفتار می‌شوند و مفسران روانکاو می‌شوند که می‌خواهند هنر بیمار را درمان کنند، یا به دام نقد فرمالیستی و ساختارگرایانه می‌افتند. اما فرمالیسم و نقدهای ساختارشناسانه به همان دامی سقوط می‌کنند که نقدهای متافیزیکی و فراروی از نقش کاربردی هنر در آن غلتیده بودند. باید مفسران را به مراکز درمانی و فرمالیست‌ها را به پراگ تبعید کرد. هنر مسلح می‌گوید به آسانی می‌توان همه‌ی این مغلطه‌ها را فراموش کرد و با قرار دادن هنر در جامعه‌ی طبقاتی نقدی دیگرگونه آغاز کرد.

اما باید دید نظریه‌ی هنر مسلح به چه چیزی مسلح است؟ هنر مسلح گام جدیدی است در به چالش کشیدن هنر مسلط و البته هنر غیرمسلط که با نابودی ساخت موقعیت متافیزیکی اثر هنری ما را با موقعیت‌های واقعی آن روبرو می‌سازد. هنر مسلح با این جمله آغاز می‌شود که هیچ جای امنی در جنگ موقعیت‌های نمایشی وجود ندارد. در حقیقت با این جمله دست به تسلیح خودش می‌زند. هنر مسلح

جنگ موقعیت‌های نمایشی را اعلام کرده و به دنبال آن خودش را در میان این موقعیت‌ها در می‌یابد. هنر همیشه بر فراز ارزش مصرف توده‌ها زیست می‌کند. هنر مسلح، هنر مقدس را به فراموشی می‌سپارد. چه اشتباهی می‌کنند منتقدان و مفسران وقتی از هنری غیر کارکردگرا حرف می‌زنند. ما با هنر مسلح است که موقعیت هنر را در جامعه‌ی طبقاتی درمی‌یابیم.

کتاب هنر مسلح نه کتاب کروچه یا کالینگود است تا شهود را در اثر هنری به ما بیاموزد و نه نظریه‌ی هنر نشانه‌شناسی که ما را سرگرم پیدا کردن یک نظام دلالتی در اثر هنری کند، و نه هزاران نظریه‌ی دیگر که به گفته‌ی خود مؤلفان، از افلاطون گرفته تا لوکاچ که نهایتاً هنر را چون یک ادراک و تجربه‌ی ناب با لفافه‌ی متافیزیک توجیح عقلانی می‌کنند. بلکه هنر مسلح خود اجرای یک اثر هنری در قالب نقد است، مملو از تصاویر و ایده‌های هنری که ذهن هر هنرمندی را هنگام خواندن به چالش می‌کشاند. بیائید برای یک بار هم که شده دوآلیته‌ی شایع در ایران، یعنی دوآلیته‌ی بین فلسفه و هنر را فراموش کنیم و با هنر مسلح ماهیت ایدئولوژیک هنر را دریابیم. این کتاب برخلاف سایر نظریه‌ها در تلاش گفتن لزوم آمیختن فلسفه و هنر نیست، بلکه خود یک آمیزش است: هنری در قالب نقد و نقدی که اجرا می‌شود.

هنر مسلح با نقد تمامی اندیشه‌های که هاله‌ی مقدس و یگانه‌ای را گرداگرد اثر هنری ایجاد می‌کنند، هنر را به ماهیت کالایی و کارکردی خود باز می‌گرداند. اکنون چیزی که ما نیاز داریم یک آگاهی است در شناسایی موقعیت‌ها و خلاقیتی در آلوده کردنشان. هنر مسلح، هنر غیر قابل شناسایی، دیگر نه هنر کارکردی است و نه هنری که خواهان فراروی از ارزش مصرف از طریق انکار آن است، هنری که هاله‌ی تقدیس دور آن نقش می‌بندد. هنری به اسم هنر ماندگار تنها زاده‌ی یک توهم مزخرفی است که در زبانها نقش بسته است. واژه‌هایی چون خلق و الهام را با هنر مسلح باید فراموش کرد. اکنون تنها هوشمندی در تسخیر موقعیت‌هاست که باید به آن بیاندیشیم. اگر با استناد به خود کتاب، هنری که خواستار فراروی از ارزش مصرف و جهان کالاها را همچون رویای ایکاروس بدانیم در پروازش به سوی خورشید برای ماندگاریش، هنر مسلح چون خورشیدی عمل می‌کند که بالهای ایکاروس را خواهد سوزاند. سقوط ایکاروس به جهان کالاها حتمی است. اما این موقعیت‌ها در کجا رخ می‌دهند؟ شهر، مکانی برای سیلانها، آنجایی که گفتار واقعی شکل می‌گیرد. در حالی که روزانه هزاران موقعیت در شهر اتفاق می‌افتد، چگونه می‌توان نقاشی خود را در گالریها به نمایش گذاشت؟ چگونه می‌توان بعد از "تئاتر مردم ستم‌دیده‌ی" برزبلی همچنان از آملی تئاترها سخن گفت یا تئاترهای خیابانی مبتدلی که آملی تئاترها را در خیابان به اجرا می‌گذارند؟ هنر مسلح، گالری یا هر نظام دیگری را فراموش نمی‌کند. اما گالری همچون دیواری از شهر، سطحی همچون هزاران سطح دیگر و هر سطحی لغزنده‌تر از دیگری. جریان سیال میل، انباشت میل، و رهایی از سوراخهایش. سطح دلالت ناپذیر است، اغواگر است، تن به معنا نمی‌دهد. متافیزیک، فرا روی از هنر کارکردی و ماندگاری هنر، حماقتی است برای گریز از این

سطوح غیرقابل انکار. اما مسلماً معنا دهی به این سطوح منجر به شکست خواهد شد. هنر مسلح برای اینکار سرایت را جایگزین دلالت می‌کند.

اما باید دید هوشمندی هنر مسلح کجاست که آنرا از سایر نظریه‌های مشابه‌اش متمایز می‌کند، یعنی نظریاتی که نقش ایدئولوژی را در هنر بررسی می‌کنند؟ این کتاب می‌گوید: تا کنون اکثر نظریات زیبایی‌شناسی که خواستند نقش ایدئولوژی و زمینه‌ی اجتماعی و تخصص طبقاتی را در حیطه‌ی هنر بررسی کنند، اساساً انحصار هنر توسط ایدئولوژی را بررسی کرده‌اند و نه ماهیت ایدئولوژیک هنر را.

نظریه‌ی هنر مسلح نظریه‌ی حال است، نه در گذشته می‌ماند و نه آینده را نوید می‌دهد، همچون نظریات دیگر هنری که می‌گوید: هنرات با من ماندگار خواهد شد. اگر هنر مسلح را نظریه‌ی زیبایی‌شناسی مارکسیستی بدانیم، نظریه‌ی ای است که همزمان با اتفاقات عصر خود پیش می‌رود. هنر مسلح نظریه‌ی لوکاج و اکثر زیبایی‌شناسی مارکسیستی را انکار می‌کند چرا که آنها اثر هنری را برای بازنمایی منافع و دیدگاه کلیت طبقات می‌خواهند، تفاوت آنها با هنر مسلط در این است که آنها حیطه‌ی بازنمایی اثر هنری را گسترش می‌داده و آنرا از دریچه‌ی محدود یک طبقه می‌ستانند. اما در این نظریات نیز فراروی از نقش کارکردی هنر همچنان باقی می‌ماند. اینجا باید همین کثرت در بازنمایی را در شرایط تاریخی دروضع موجود بررسی کرد تا به هوشمندی نظریه‌ی هنر مسلح پی برد. یعنی در شرایطی که ایدئولوژی سرمایه‌داری همراه کننده و کلبی مسلک شده است. در شرایطی که سایبر اسپیس و سایبرنتیک و چیزهای دیگر در روابط اجتماعی وارد شده‌اند. حتی باید دید چگونه سیلان میل دلوزی و پیشنهاد او برای خلاقیت اثر هنری بر اساس میل در سرمایه‌داری کنونی بی‌اثر می‌شود. وقتی که ایدئولوژی مسلط خود را طرفدار هویت‌های چندگانه می‌داند. این هویت‌های چندگانه سوژه‌ی منحرف و چندگانه‌ای که دلوز پیشنهاد آن را می‌دهد را نیز شامل می‌شود. یعنی سوژه‌های بدون اقتدار پدران که در ساختار جدید سرمایه‌داری حل شده و از بین می‌روند. ژنژک می‌گوید این ایده‌های انفجاری و هیاهو برای انحرافات چندگانه چیزی است که با نظم سرمایه‌داری متاخر جفت و جور می‌شود. این واقعیتی است که هنر مسلح فراموشش نمی‌کند و دست به تعریف ماهیت ایدئولوژیک هنر می‌زند. یعنی تنها خواستار انحصار زدایی از دست طبقه‌ی مسلط نیست چراکه در اینصورت باز فراروی از نقش کارکردی هنر باقی می‌ماند. هنر مسلح با برگرداندن هنر به ماهیت ایدئولوژیکش و قرار دادن هنر در جامعه‌ی طبقاتی، به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهد ساختار جدید سرمایه‌داری در اختیارش بگیرد. هنر مسلح سنتزش را منطبق بر وضعیت موجود می‌سازد: ویروسی کردن، سرایت، آلودگی. هنر به مثابه‌ی بیماری شیوع یافته‌ی ایدز. بگذارید با یک مثال ساده منظورم را بهتر برسانم: اجراهای دسته جمعی مانند "کت-آپ" یعنی اعتراضات جمعیت آلوده به بیماری ایدز که به صورت تاترهای خیابانی و سیاسی و تظاهرات پرطمطراق برای رساندن اعتراض خود و در حقیقت نمایش دادن آن برای دیگران صورت می‌گیرد، همان سوژه‌های چندگانه و منحرف پست مدرنی هستند که سرمایه‌داری متاخر با دادن چنین فرصتهایی برای اجراها، آنها را در اختیار می‌گیرد. اما هنر مسلح با هنر در جامعه‌ی طبقاتی

آغاز می‌شود، یعنی ماهیت ایدئولوژیک هنر را عنوان می‌کند. هنر مسلح اجراهای اکت-آپ را صرفاً به خاطر اینکه از طبقه‌ی مسلط انحصار زدایی می‌کند، ارج نمی‌دهد. بلکه می‌خواهد ماهیت این اجراها را ایدئولوژیک کند. هنر مسلح برای فراروی از این اجرا همچون نمایشی که برای اربابان ایجاد می‌شود، مفهوم تسخیر را به میان می‌کشد و آنرا مصداقی برای از بین بردن جنبه‌ی طبقاتی شیوه‌ی تولید با تسخیر ابزار آلات تولید می‌بیند، و راه فراروی از جنبه‌ی کالایی اثر هنری را در تسخیر موقعیت‌های نمایشی آن می‌بیند. باید مراقب بود. سرمایه‌داری همیشه در جهت مخفی کردن و از بین بردن نظام طبقاتی است...

خواندن این کتاب فراغت فکری نمی‌خواهد. این کتاب مانند فلسفه‌ی هنر زیبایی‌شناسانه همچون کتاب بلاهت‌بار "حقیقت و زیبایی" یا امثالهم نیست که مدام هنرمندان به آنها رجوع می‌کنند و در آخر هم همچنان در چرایی لزوم آموختن فلسفه برای خلق اثر هنری باقی می‌مانند، بلکه فلسفه‌ی هوشمندی نسبت به موقعیتی است که اشغال می‌کند. بیائید این کتاب را با هم بخوانیم، در هر موقعیتی که قرار گرفته باشیم. این کتاب از قبل در دیوارهای شهر، در جنگ موقعیت‌های شهری نوشته شده است، تنها یک هوشمندی می‌خواهد برای بیرون کشیدن آن و خلاقیتی برای جایگزین کردن سرایت به دلالت...

برای سفارش کتاب هنر مسلح و یا دریافت نسخه پی دی اف آن می‌توانید به [سایت انتشارات آزاد](#) [ایران](#) مراجعه کنید.



مجله الکترونیکی زغال  
<http://zoghalmag.com>